

چشم‌انداز میراث فرهنگی

دکتر اکبر حاج ابراهیم زرگر

مقدمه

چشم‌انداز میراث فرهنگی و مهمترین خط‌مشی‌ها و یا کاستی‌های آن داشته باشیم.

پس از پایان جلسه تنی چند از یاران همدل اشاره کردند که مطالبی که در جلسه ارائه شد جمع‌بندی مفیدی بوده و شاید تدوین آن بی‌فایده نباشد. لهذا تصمیم به مکتوب کردن همان مطالب احیاناً با تصرفات جزئی گرفته شد. به این امید که در آینده این نوشتار بکار کسی از «اهل میراث فرهنگی» بیاید.

مجموعه مطالب در چارچوب تقسیمات متعارف سازمان میراث فرهنگی بشرح زیر طبقه‌بندی شده است:

- پژوهش

- حفظ و احیا

- معرفی و آموزش

- اداری و مالی

یکی از برکات و نعماتی که سازمان میراث فرهنگی کشور از آن برخوردار است وجود قریب چهارصد کارشناس سخت‌کوش، علاقمند و خلاق و با پشتکار و خوش‌فکر است. اکثریت غالب این جمع شغلشان زندگی‌شان است و خارج از قالبهای اداری و صرفاً بنا به علاقمندی و انگیزه شخصی مشغول کار هستند. باور من بر این است که توان فکری این جمع خیلی بیش از آن چیزی است که تاکنون دیده شده است. از جمله، کارهای سودمندی که چندی قبل در سازمان انجام گرفت بررسی و تدوین «اهداف و خط‌مشی‌های اساسی بخش میراث فرهنگی طی

نوشتار حاضر در اصل متن سخنرانی گزارش‌گونه نویسنده است که در روز یکشنبه سی‌آبان ۱۳۷۲ در جلسه‌ای که بمناسبت معرفی ریاست محترم جدید سازمان میراث فرهنگی کشور، آقای مهندس کازرونی، و تودیع اینجانب برگزار شده بود ارائه گردید. در جلسه مذکور جناب آقای دکتر حبیبی، معاون اول ریاست جمهوری، آقای دکتر علی لاریجانی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت و عده دیگری از شخصیت‌های فرهنگی - سیاسی در جمع کارشناسان و کارکنان سازمان حاضر بودند. برخلاف رویه متعارف که مدیرانی که قصد ترک محل خدمت را دارند در جلسه تودیع اقدام به ارائه گزارش عملکرد دوران خدمت خود می‌کنند، به دو دلیل ترجیح دادم که از این کار پرهیز کنم: اول اینکه در طول دو سال و چند ماه اداره سازمان بنده هم خود را یک عضو در کنار سایر اعضاء می‌دیدم و اگر توفیقی بوده یا شکستی جمع همکاران در آن ذی‌مدخل بوده‌اند و نباید به حساب یکنفر گذاشته شود. و دوم اینکه تعویض مدیر سازمان بمعنی زیر و رو شدن مشی و سیاستهای آن نیست بنابراین چه بسا همه و یا بیشتر طرحها و برنامه‌ها کما فی‌السبق ادامه یابد بنابراین در زمانها و مقاطع مناسب گزارش عملکرد سازمان تهیه و تقدیم می‌شود و ضرورتی به ارائه آن در جلسه تودیع و معارفه نبود. بجای گزارش بنظر رسید در جمع متفکرین و صاحب‌نظران حاضر در جلسه و به امید بهره‌برداری از دیدگاهها و ارشادات ایشان مروری بر جایگاه فعلی و

برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» است. این مجموعه پس از بحثهای مکرر و طولانی و جلسه شورای معاونین سازمان و پس از آن در جمع گسترده مدیران ستادی و استانی که قریب هشتاد نفر می‌شوند و دهها ساعت کار گروهی و مفید تدوین شاه این مدرک بنظر می‌رسد که برای چندین سال ارزش خود را برای طرحها و برنامه‌های آتی حفظ کند و در جلسه تودیع موردی برای تکرار و یا حتی مرور آن دیده نشد بلکه در حاشیه آن ملاحظات و مشاهدات و نظراتی که بنظر من بارزترین و شاخص‌ترین موضوعات مربوط به هر بخش بودند مطرح شد.

- پژوهش

پژوهش حلقه آغازین زنجیره فعالیتهای سازمان است. زمینه‌های آن هم متنوع و هم گسترده است. هنرهای سنتی - باستانشناسی - زبان و گویش، مردم‌شناسی و خواندن و تحقیق در کتیبه‌ها و خطوط باستانی در زمره موضوعات مورد مطالعه‌اند. در زمینه پژوهش پنج نکته زیر قابل توجه و توصیه است:

الف - تأکید بر تحقیقات جامع

علیرغم تلاش بعمل آمده برای پرهیز از روزمرگی و عمل زدگی در بخش پژوهش، موضوعات جامع مانند تهیه نقشه باستانشناسی کشور و یا دائرةالمعارف معماری ایران و یا انجام مطالعات مردم‌نگاری باید مورد تأکید و توجه بیشتر قرار گیرند. نتایج این قبیل تحقیقات زمینه مناسب را برای تحقیقات موضوعی و جزئی فراهم و همچنین برنامه‌ریزی حفاظت آثار را تسهیل می‌کنند.

ب - ضرورت انتشار نتایج تحقیقات

ظاهراً این نقیصه جدی، میراث نسبتاً ریشه‌دار فعالیتهای پژوهشی سازمان است. اساساً طرحها و بررسی‌های علمی و

تحقیقاتی بدون تدوین و انتشار نتایج و یا گزارش علمی موقوع ابتر باقی می‌ماند و در خصوص سازمان صدها طرح و تحقیق بصورت گزارش‌هایی در قفسه‌ها و فایل‌ها بایگانی شده‌اند. با کمی تسامح باید گفت که این بمعنی اتلاف سرمایه‌گذاری در این بخش است.

اگرچه سازمان بصورت مستمر سه مجله (میراث فرهنگی - موزه‌ها و اثر) را منتشر می‌کند که جای مناسبی برای انتشار نتایج بسیاری از طرحهای تحقیقاتی هستند معذالک بنظر می‌رسد که انتشار دفاتری با عنوان مجموعه مقالات پژوهشی که در سازمان سابقه هم دارد قالب مناسبی برای نشر نتایج طرحهای پژوهشی باشد. انتشار این نتایج حداقل دو فایده در بر دارد، اول گسترش آگاهی اهل فن و دوم فراهم آمدن امکان نقد و اصلاح و اظهار نظر اهل خبره و به تبع آن تکامل یافته‌ها.

ج - ضرورت مشارکت متخصصین خارج از سازمان

علیرغم آنکه سازمان، حداقل در بعضی از زمینه‌های پژوهشی، دارای قابل‌ترین متخصصین و کارشناسان است معذالک با گسترش فعالیتها و جدی‌تر شدن موضوع میراث فرهنگی در جامعه ایرانی ضرورت بسیج و بکارگیری نیروهای متخصص خارج از سازمان کاملاً احساس می‌شود. در این رابطه به دو موضوع عمده می‌توان اشاره کرد. اول ضرورت حمایت و تشویق و احیاء سازمانهای تحقیقاتی موجود و گذشته که بنحوی از انحاء در زمینه موضوعات میراث فرهنگی فعال بوده و یا هستند. بعنوان مثال مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران و یا انستیتوی مرمت دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.

در همین راستا تقویت و استحکام رابطه با مراکز علمی و پژوهشی ذیربط مانند گروه باستانشناسی دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس و همچنین دانشکده‌های علوم اجتماعی، معماری و شهرسازی خصوصاً حمایت از دانشکده پردیس اصفهان وابسته به دانشگاه هنر که مستقیماً درگیر تربیت نیرو در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد

بخش دوم: حفظ و احیاء

جهت سهولت امر می‌توان موضوعات موردنظر را در سه مقیاس کلان (شهر و بافت‌های تاریخی فرهنگی)، تک بنا و اموال منقول طبقه‌بندی کرد. حساسیت انعکاس و عکس‌العمل عمومی در باب امر حفاظت از آثار و ابنیه بیشتر از فعالیت‌های پژوهشی و یا معرفی است. شاق‌ترین و سخت‌ترین فشارهای سیاسی وارد بر پیکره سازمان در سال‌های اخیر از همین بابت بوده و بیشترین درگیری‌ها را با افراد و سازمان‌های دولتی و غیر آن به جهت پافشاری بر انجام وظیفه قانونی خود در زمینه حفاظت داشته است. در عین حال بارزترین وجه شخصیت سازمان میراث فرهنگی همین وجه حفاظتی آنست.

الف- مقیاس کلان

واقعیت این است که در مقیاس بافت چون متولی امر شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی است و نگاهداری شهرها نیز بعهدۀ شهرداری‌ها است سازمان دخالت مستقیم در این زمینه نداشته و علی‌الظاهر نمی‌تواند داشته باشد. توجهی که با تلاش نماینده سازمان در سال‌های اخیر از طریق شورایی عالی شهرسازی و وزارت مسکن و شهرسازی در رابطه با جدی تلقی کردن اهمیت بافت‌های با ارزش در طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها ایجاد شده است بسیار امیدوارکننده است معذالک به نظر می‌رسد که بطور کلی دولت می‌باید در روند فعلی سرمایه‌گذاری در توسعه حاشیۀ شهرها و ایجاد شهرک‌های جدید و طرح‌های آماده‌سازی تجدیدنظر کرده و درصد قابل توجهی از بودجه تخصیصی را جهت احیاء بافت‌های فرسوده درون شهرها اختصاص دهد. این توصیه مبتنی بر این پیش فرض است که توسعه شهرهای قدیمی این سرزمین از اطراف می‌تواند روند تخریب و فرسایش بافت‌های درون شهری را تسریع نماید. و برخلاف آنچه که ظاهراً پذیرفته‌اند روند فرسایش بافت‌های قدیمی شهرهای تاریخی این سرزمین لایتغیر و محتوم نیست بلکه آنچنانکه تجربیات کشورهای دیگر نشان می‌دهد با داشتن

در زمینه کار مشترک با مؤسسات خارجی می‌توان توصیه و تأکید را بر فراهم آوردن زمینه کار مشترک با این قبیل متخصصین ایرانی خارج کشور گذاشت.

د- گسترش و تقویت آزمایشگاه‌های تحقیقاتی

فکر ایجاد و تجهیز آزمایشگاه تحقیقاتی مرکزی سازمان و شعب آن در مراکز استانی سازمان برای پشتیبانی پژوهش‌ها و طرح‌های اجرایی مرمتی در زمره بنیادی‌ترین اقداماتی است که در سال‌های اخیر در سازمان میراث فرهنگی انجام گرفته است. در حال حاضر از نظر نوع تجهیزاتی که در اختیار آزمایشگاه است موقعیت بسیاری خوبی حتی در سطح منطقه ایجاد شده است. به نظر می‌رسد که در حالیکه ایجاد و تقویت واحدهای کوچک آزمایشگاهی در مراکز استانها و موزه‌ها ادامه می‌یابد تقویت و تکمیل تجهیزات و خصوصاً کادر کارشناسی آزمایشگاه نیز مورد عنایت جدی قرار گیرد. خوشبختانه طرح ساختمان جدید آزمایشگاه آماده شده و علی‌القاعده در آینده نه چندان دور می‌توان امید به احداث آن داشت. در مورد آزمایشگاه ضرورت فعالیت مشترک با سایر مراکز تحقیقاتی و تبادل اطلاعات و کارشناس نیز محرز است.

ه- تعادل در توزیع امکانات پژوهشی

اگرچه زمینه‌های مختلفی برای پژوهش‌های سازمان وجود دارد ولی به نظر می‌رسد توزیع بودجه و امکانات و همچنین برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای آتی در بخش پژوهش باید با هدف بازیابی تناسب و تعادل بین زمینه‌های مختلف تحقیقاتی انجام گیرد. بعنوان مثال باستانشناسی بصورت بارزی در مقایسه با هنرهای سنتی در فعالیت‌های تحقیقاتی سیطره دارد در حالیکه مردم‌شناسی با تلاش امیدوارکننده‌ای خصوصاً در یکی دو سال اخیر کوشیده است که مطرح باشد. بطور خلاصه باید گفت که فرمول سنتی وضع موجود در زمینه‌های تحقیقاتی الزاماً بهترین نیست و توصیه به تجدید نظر کلی در آن لازم است.

طرح و سرمایه‌گذاری می‌توان آنرا دگرگون ساخت. در درازمدت احیا بافتهای درون شهری از نظر اقتصادی نیز مقرون بصرفه خواهد بود.

ب - مقیاس تک بنا

دو گروه بنا را می‌توان تفکیک کرد: اول بناهای شاخص یا به اصطلاح مونومان‌ها و دوم بناهای باارزش و در عین حال متعارف. در گروه اول ظاهراً حدود هشت هزار بنا شناسایی و به نحوی از انحاء تحت پوشش حفاظتی سازمان قرار دارند. امر حفاظت از این ابنیه عمدتاً با بودجه دولتی و با روال فعلی سازمان که کاملاً جا افتاده و شناخته شده است میسر است.

گروه دوم بناهایی هستند که از نظر مالکیت برخلاف گروه اول اکثراً دارای مالکین خصوصی است. تعداد آنها هم بحدی است که امکان دخالت سازمان با الگوی گروه اول مطلقاً میسر نیست. بهترین حالت اینستکه بناهای ارزنده این گروه شناسایی، معرفی، مرمت و مورد بهره‌برداری قرار گیرند. خریداری این قبیل بناها توسط دولت جز در مقیاس بسیار محدود و در موارد کاملاً خاص به مصلحت نیست. یک قدم جدی در این راه ایجاد و فعال کردن تبصره ۲۳ قانون بودجه است که به موجب آن دستگاه‌های دولتی مجازند که اعتبار عمرانی یک طرح خاص را به جای احداث یک بنای جدید صرف خرید و تعمیر و احیا یک بنای باارزش قدیمی که مورد تائید سازمان است نمایند. طی دو سال ۷۱ و ۷۲ فعالیت‌ها و هماهنگی‌های زیادی مشترکاً توسط وزارت مسکن و شهرسازی و سازمان جهت فعال کردن این تبصره انجام گرفت. با سرمایه وزارت مسکن و شهرسازی دو کتاب آلبوم گونه چاپ شد که حاوی رولوه و عکس چند بنای شناسایی شده توسط سازمان است. کلاً حدود پانصد بنای باارزش توسط همکاران سازمان در شهرستانها شناسایی و کاربری‌های مناسب آنها نیز بررسی شده است.

متأسفانه علیرغم تلاشهای بعمل آمده پیشرفت در این

زمینه طی دو سه سال اخیر چندان امیدوارکننده نبوده و این در حالی است که ضرورت پیگیری و سماجت دستگاهها و افراد آگاه در این زمینه در تحقق اهداف تبصره ۲۳ بیش از گذشته احساس می‌شود.

در نیمه اول سال ۷۲ پس از انتقال سازمان به وزارت ارشاد شاهد تأکیدات وزیر محترم ذیربط بر اجرای این تبصره به مدیران و مسئولین واحدهای مختلف تابعه وزارت بودیم. درحالیکه همکاران بعضاً ناباورانه و یا با مقاومت و مخالفت برخورد کرده‌اند. دو اقدام اساسی جهت تسریع حفاظت و احیا بناهای گروه دوم به نظر می‌رسد: اول پیشنهادی که هنگام تهیه لایحه بودجه سال ۷۲ تقدیم دولت شد ولی مورد عنایت قرار نگرفت و آن اختصاص رقمی هر چند محدود به عنوان تنخواه گردان برای گردش سریع تبصره ۲۳ یعنی خرید و تعمیر و فروش بناها به دستگاههای دولتی و یا اشخاص پس از تعمیر و مرمت است.

اقدام دوم ضرورت ایجاد دفتری در ستاد مرکزی سازمان تحت عنوان تبصره ۲۳ است که در حوزه معاونت حفظ و احیا مستقیماً متکفل تبادل و نشر اطلاعات و پیدا کردن دستگاههای داوطلب و همچنین شناسایی و معرفی بناهای باارزش در شهرها و مناطق مختلف کشور باشد.

ج - محوطه‌های تاریخی و اموال منقول

کثرت و تنوع اموال و پراکندگی جغرافیایی محوطه‌هایی که نیازمند حفاظت فیزیکی هستند بگونه‌ای است که انجام این امر با مشکلات عدیده و کاستی‌های قابل توجهی روبرو است. اگرچه معلوم نیست در دیگر کشورهای مثل ما وضع حفاظت از محوطه‌ها و اموال فرهنگی بهتر باشد.

قاچاق اموال فرهنگی و یا حفاری غیرقانونی درحالیکه از نظر درآمد با قاچاق مواد مخدر قابل مقایسه است ولی از دیدگاه دستگاه قضایی و قوانین جزایی جرم کوچکتری محسوب شده و از نظر اجتماعی نیز قباحت کمتری دارد. بنابراین روی آوردن جماعت فرصت‌طلب و بوجود آمدن

باندهای قاچاق اموال فرهنگی امر غیر مترقبه‌ای نیست. حفاظت فیزیکی از محوطه‌ها و اموال تا حدود زیادی موکول به هماهنگی سازمانها و نهادهای متعددی است که بنحوی از انحاء به حسب وظیفه قانونی ملتزم به مشارکت در این امر هستند. نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، اداره‌های آگاهی، پاسگاهها و واحدهای سازمان میراث در زمره این سازمانها هستند و علاوه بر آنها مشارکت دستگاه قضایی و همچنین استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و غیره نیز امری حیاتی است و در شکل ایده‌آل می‌باید ستادی جهت هماهنگی فعالیتهای کلیه واحدهای ذیربط تشکیل شود. بدیهی است که مشکلات و کمبودهای اداری و مالی و پرسنلی هر کدام از واحدهای مذکور بنحوی از انحاء در نحوه مشارکت آنها و انجام وظیفه در زمینه مبارزه با قاچاق نیز تأثیر مستقیم می‌گذارد.

انعطاف قانون موجود از سویی و کندی رسیدگی به پرونده‌های متهمین قاچاق اموال فرهنگی مطمئناً در جری‌تر کردن قاچاقچی‌ها مؤثر واقع شده است.

بی‌آنکه خواسته باشیم اهمیت کاربرد تجهیزات مدرن و آموزش نیروهای حفاظتی سازمان را مورد سؤال قرار دهیم باید اذعان کنیم که با پراکندگی فعلی حتی با دهها هزار نیروی محافظ نیز انجام حفاظت بطور مطلوب میسر نیست. در این جهت به‌نظر می‌رسد مهمترین و امیدوارکننده‌ترین راه کار تشکل هر چه سریعتر انجمن‌های میراث فرهنگی است که از سال ۷۱ عملاً شکل‌گیری آنها شروع و با سرعت امیدوارکننده‌ای ادامه دارد. نکته مهم این است که صرفاً تشکیل انجمن‌های بیشتر کفایت نمی‌کند. بلکه تغذیه و آموزش و هدایت این انجمن‌ها در زمره وظایف اساسی است که سازمان می‌باید بعهده گیرد، به عبارت دیگر آموزش عموم مردم و بسیج عمومی راه حل اساسی مشکل حفاظت است.

۴- سیستم مکانیزه اطلاعات

استفاده از روشهای سنتی نگهدار اطلاعات در خصوص

اموال و ابنیه و محوطه‌های تاریخی فرهنگی در «عصر اطلاعات» یک نقیصه جدی است. بی‌تردید مشخصات چندین میلیون قطعه شیئی و هزاران بنا و دهها هزار محوطه تاریخی را نمی‌توان به‌شکل مطلوب بدون استفاده از سیستم مکانیزه اطلاعات نگهداری کرد. ضرورت کامپیوتری کردن این سیستم و ایجاد بانک اطلاعاتی از چند سال پیش در سازمان تشخیص داده شده و مقدماتی نیز فراهم آمده بود و در سالهای اخیر نیز ادامه یافت. در زمان تقریر این نوشتار طرح کلی آماده و مرحله آزمایشی کار در موزه رضا عباسی در شرف انجام است. تداوم این طرح دو فایده عمده دارد: اول امکانات لازم جهت طرحهای تحقیقاتی را فراهم می‌آورد و دوم به امر حفاظت مدد می‌رساند.

۵- هدیه اموال به سازمان

در سالهای اخیر در سازمان شاهد اتفاقاتی بودیم که ماهیتاً قابل توجه و تعمق هستند. وقف شیئی و یا اشیاء فرهنگی تاریخی توسط صاحبان آنها به سازمان میراث فرهنگی به منظور ایجاد موزه و یا قرار دادن در مجموعه‌های موجود به جزء مهمترین وقایع سالهای اخیر است. شاید در گذشته‌ها هم گاهاً کسانی اموالی را به دولت هدیه کرده باشند اما تعداد این موارد در سالهای اخیر گویای نوعی تحول و یا بوجود آمدن شرایطی است که می‌باید آنها را شناخت و در تداوم آنها کوشید.

خانم ایکار، هنرمند متواضع که از اقلیت ارمنه کشور است بی‌تکلف و بی‌سروصدا مجموعه آثاری را که هیچگاه در طی عمر طولانی‌اش حاضر نشده بود حتی یکی از آنها را بفروشد یکجا به سازمان هدیه کرد.

پرویز بهزاد تنها پسر و وارث استاد حسین بهزاد مینیاتور کلیه آثار بجا مانده از پدرش را که در اختیار داشت به‌مراه خانه استاد به سازمان میراث فرهنگی واگذار کرد. مشابه همین دو مورد در رابطه با دست‌نوشته‌های نیما و یک استاد نقاش معاصر و همچنین استاد رسام عرب‌زاده طراح فرش در دست بررسی و ارزیابی بود. سازمان در طی

سال گذشته سازمان از این بابت خسارتهای جبران‌ناپذیری دیده است.

بسیاری از بناها و محوطه‌ها و حتی موزه‌های سازمان فاقد بروشور یا کاتالوگ هستند. بسیاری از ابنیه فاقد تابلوهای راهنما و یا راهنمای کافی جهت ادای توضیحات لازم به بازدید کنندگان‌اند. سازمان حتی یک سری اسلاید آموزشی و یا یک فیلم قابل عرضه به عموم تولید نکرده است و به دلایل متعدد که قطعاً پاره‌ای از آنها به سازمان برمی‌گردد هنوز موزه‌ها، غالباً خالی و در انتظار بازدید کنندگان بیشترند. هرچند نقطه‌های شروع امیدوارکننده‌ای در این بخش نیز وجود دارد.

- انتشارات

جدای از بحثی که در بخش پژوهش در ارتباط با ضرورت انتشار نتایج کارهای تحقیقاتی آمد ضرورت سرمایه‌گذاری جدی در این بخش بطور کلی قابل تاکید است. حدود چهل کتاب و نشریه در انتظار بودجه کافی جهت طی مراحل چاپ است بنابراین بود که کل اعتبار ۷۰ میلیون تومانی تبصره ۵۵ در سال ۷۲ صرف فعالیتهای بخش معرفی شود. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که سرمایه‌گذاری در این بخش سودآورترین فعالیت سازمان نیز هست. سیستم توزیع نشریات سازمان معیوب است و احتیاج به بازسازی دارد. یک پیشنهاد جهت تسریع در امر انتشارات توزیع کار بین واحدهای استانی و مرکز است. حداقل حدود ده واحد از واحدهای سازمان، توان انجام کار مدیریت انتشاراتی را دارند و تمرکز این امور در ستاد مرکزی بی‌معنا است.

در زمینه فیلم قدمهای اول برداشته شده است و نیازمند مداوم و پیگیری است. خوشبختانه امکان تولید فیلمهای کوتاه آموزشی از موضوعات میراث فرهنگی با کمک فیلمسازهای ایرانی بر راحتی فراهم است. شرکتهای یا گروههای متعددی هم هستند که مایلند در این زمینه کار کنند و با بعضی از آنها مذاکرات مفصل داشتیم. میراث

سالهای اخیر مکرر مواجه با مکاتبات و مراجعاتی بوده است که افرادی برای هدیه کردن اموال فرهنگی خود به سازمان اظهار تمایل می‌کردند و اکثراً توقعات ایشان در حد قابل برآوردن بود.

آنچه در این رابطه مهم است نوع برخورد و شرایط حاکم بر سازمان است که می‌تواند در اظهار تمایل و تصمیم این قبیل افراد فرهنگ دوست و وطن‌خواه مؤثر واقع شود. احساس اعتماد و اطمینان و استقرار و تداوم یک نظم و ضابطه در سازمان می‌تواند نقش بسیار مهمی در تشویق این قبیل افراد داشته باشد و یا به سادگی آنها را از امر خیری که عزم آن را کرده‌اند منصرف کند.

باور من بر آن است که نه تنها موج تحویل و وقف و هدیه مجموعه‌داران در داخل کشور قابل دامن زدن است بلکه در میان ایرانیان خارج از کشور نیز کسانی قطعاً هستند که مایلند به جرگه این جمع فرهنگ دوست بپیوندند. در طول مدت کوتاه خدمت در سازمان شواهد کافی این گمان را تصدیق و تقویت کرده است.

- معرفی و آموزش

باید اذعان کرد که زمینه معرفی و آموزش و خصوصاً معرفی، مهمترین خلاء سازمان از بدو تأسیس تاکنون بوده است. این حوزه از فعالیتهای هیچگاه آن طور که باید جدی گرفته نشده و سازمان تا حدود زیادی با سیطره و غلبه فعالیتهای مرمتی روبرو است. شاید یکی از توجیحات، انطباق تشکیلات استانی سازمان بر ساختار تشکیلات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی است که مأموریت اصلی آن مرمت ابنیه تاریخی بوده است.

فعالیتهای معرفی و آموزش متأسفانه علیرغم تمامی توصیه‌ها و تأکیدها از سوی اکثریت غالب مدیران سازمان اعم از ستادی یا واحدهای شهرستانها هیچگاه جدی گرفته نشد و بعضاً آشکارا از پرداختن به آنها استنکاف داشته‌اند. مکرر شنیده شد که این همکاران، ناآشنایی با این زمینه را بهانه نپرداختن به آن ذکر می‌کردند و بی‌تردید در طی چند

استان تهران نیز یک فیلم آزمایشی تهیه کرده است نمونه‌های تولیدات دیگر کشورها و بنگاه‌های بین‌المللی از قبیل یونسکو نیز می‌تواند قرار گیرد. در داخل سازمان نیز همکاری‌هایی هستند که اهل ذوق‌اند و آشنایی با فیلمبرداری دارند و اگر خودشان نتوانند مستقیماً به کار تولید بپردازند که چندان منطقی هم ندارد می‌توانند به جریان و برنامه‌ریزی این امر کمک کنند. در زمینه تولید عکس و کیت‌های اسلاید که از نظر تکنیکی کار بسیار ساده‌ای است هم کار عملاً با شهر کاشان شروع شد و به نظر می‌رسد نتایج خوبی بتوان از آن گرفت و در زمان نه چندان طولانی در دیگر شهرها و محوطه‌های تاریخی مهم همان تجربه را تکرار کرد.

- مولاز

ساختن مدل‌های متعدد از بعضی از نقوش و یا اشیایی که در موزه‌ها و یا بناها و مجموعه‌های تاریخی به نمایش گذاشته شده‌اند در زمره فعالیت‌هایی است که بجا است در آینده جدی‌تر گرفته شود. مقدمات ایجاد کارگاه مولاز در کنار موزه ملی ایران اخیراً فراهم آمده است. این کارگاه آنچنانکه مرسوم پاره‌ای از موزه‌های بزرگ دنیا است می‌تواند اقدام به تولید نمونه‌های نفیس از اشیاء منتخب بنماید و مطمئناً موزه‌های بزرگ دنیا با خوشحالی این نمونه‌ها را ابتیاع نموده و بنمایش خواهند گذاشت. از طرف دیگر تولید انبوه مدل‌های کوچک که بتواند به عنوان هدیه توسط مقامات سیاسی کشور به مقامات کشورهای دیگر داده شود و یا حتی در مواردی در کنار موزه و یا در کنار محوطه و بنای مربوطه به عرضه عمومی گذاشته شود کاملاً معنی دارد. وظیفه و فایده اصلی مولاز آن است که اشیایی که بدلایلی از چنان نفاستی برخوردارند که عرضه مستقیم اصل شیئی خطرات و تبعات سوء دارد می‌تواند با تهیه مدل شبیه اصل این مشکل را تا حدودی حل کرد. در هر صورت سرمایه‌گذاری در کارگاه مولاز در زمره زمینه‌هایی است که می‌توان براحتی روی بازدهی اقتصادی

آن نیز حساب کرد.

- موزه‌ها

در حال حاضر حدود چهل و پنج موزه زیر پوشش سازمان فعالیت می‌کنند. بسیاری از استانهای ما یا فاقد موزه‌اند یا موزه‌هایشان متناسب با شأن فرهنگی و جمعیت آنها نیست. مثلاً شهرهای مشهد و اصفهان فاقد موزه‌های متناسب هستند در حالیکه تنها در این دو شهر در هر سال میلیونها نفر بازدید کننده وجود دارد. از نظر تعداد موزه آمار ایران با کشورهای غربی اساساً قابل مقایسه نیست. در هلند صحبت از حدود هشتصد موزه است در حالیکه وسعت آن به زحمت به اندازه یکی از استانهای ایران است.

از طرفی افزودن تعداد موزه‌ها نیز دچار محدودیت‌هایی است. از جمله اینکه امر حفاظت از آنها که هم‌اکنون نیز دچار مشکل است پیچیده‌تر می‌شود. همچنین پرسنل جدید باید بکار گرفته شود که با سیاست فعلی دولت مغایرات دارد. علاوه بر مسایل فوق ساختمان و تأسیس موزه امر پرهزینه‌ای است. ناتمام ماندن موزه‌های شهرهای زاهدان و کرمانشاه گواهی خوب است بر این امر که فکر ساختمان موزه‌های بزرگ و پرخرج در شرایط فعلی اقتصادی کشور حتی با فرض رونق نسبی آن در سالهای آتی غیر واقعی و بی‌حاصل است. در عوض راه حل دیگری وجود دارد و آن ایجاد موزه‌های کوچک و متوسط از طریق مرمت و احیای بناهای ارزشمند خصوصاً با همکاری سازمانها و نهادهای محلی است. در چند مورد با بودجه‌های ده تا بیست میلیون تومانی می‌شود شهری را صاحب موزه کرد. طرحهای موزه‌های رختشویخانه زنجان و حمام حضرتی در سمنان و حمام چهارفصل در اراک و یا موزه‌های پژوهشی مردم‌شناسی و بهزاد در سعدآباد و موزه مشکین شهر از این گروه‌اند. در این رابطه می‌توان مشارکت مالی و انسانی سازمانهای محلی را پیش شرط سرمایه‌گذاری و اقدام سازمان برای ایجاد موزه قرار داد.

لازم به ذکر است که طرح ایجاد موزه دوران اسلامی که قدمتهای اساسی آن طی سالهای گذشته برداشته شده است

نیازمند یک توجه یا «یاعلی» آخر است تا به نتیجه برسد. این بنا در کنار موزه ملی ایران با روند نسبتاً کندی در حال تجهیز است. با عنایت به اینکه حدود پانزده سال از وقوع انقلاب اسلامی می‌گذرد از نظر سیاسی و اجتماعی هم علاوه بر جنبه‌های فرهنگی سرمایه‌گذاری سریعتر و افتتاح و بهره‌برداری از موزه اسلامی کاری است بصواب و انشالله توفیق الهی نیز مؤید گام‌هایی خواهد بود که در این مسیر برداشته شود.

- آموزش

دو نوع آموزش در سازمان سابقه دارد. اول آموزش آکادمیک که در مرکز آموزش عالی سازمان انجام می‌گیرد و دوم دوره‌های غیررسمی و کوتاه مدت آزاد. با این باور که بزرگترین سرمایه سازمان نیروی انسانی آن خصوصاً قشر کارشناس است سرمایه‌گذاری در امر آموزش توجیه پیدا می‌کند. باعث خوشوقتی است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از صندلی‌های دوره‌های کارشناسی ارشد رشته‌های مربوط به میراث فرهنگی در اشغال کارشناسهای سازمان است که غالباً از طریق شرکت در مسابقه یا کنکور مربوطه در دانشگاه پذیرفته شده و مشغول تحصیل شده‌اند. علاوه بر آن تا پایان سال ۷۲ حدود ۲۵ نفر از کارکنان دیپلمه سازمان که دوره دو ساله معادل کاردانی را در مرکز آموزش عالی سازمان تکمیل خواهند کرد به واحدهای خود بر خواهند گشت. در رابطه با جوانهایی که دوره کاردانی را در مرکز آموزش عالی سازمان گذرانده‌اند و در واحدهای سازمان مشغول بکار شده‌اند طی یکی دو سال اخیر سعی بر این بود که در صورتیکه از طریق شرکت در کنکور در مقطع کارشناسی پذیرفته شوند به آنها مساعدت شود و مشکل در کار ایشان به وجود نیاید.

مرکز آموزش عالی سازمان که در هفت رشته به میراث فرهنگی در مقطع کاردانی در سال ۷۲ حدود چهارصد دانشجو دارد در زمره سرمایه‌های گرانقیمت سازمان محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که مرکز موظف شده

است در اولین فرصت دو دوره کارشناسی موزه‌داری و کارشناسی مرمت بناهای تاریخی را برنامه‌ریزی و پس از کسب مجوز لازم از وزارت فرهنگ و آموزش عالی راه‌اندازی کند. مرکز در درازمدت سی باید به دوره‌های عالی‌تر بیاندیشد و از هم اکنون با پشتوانه کارشناسها و هیأت علمی موجود سازمان و امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی براحتی توان راه‌اندازی دو سه دوره عالی در مقطع کارشناسی ارشد را نیز داراست. در توسعه مرکز آموزش عالی سازمان نباید بگونه‌ای عمل شود که دانشکده‌های موجود خصوصاً پردیس اصفهان وابسته به دانشگاه هنر لطمه ببینند. شاید درست‌تر باشد که با تقویت پردیس اصفهان تربیت نیروی کارآمدتر برای آینده سازمان را تضمین نمود. مرکز آموزش عالی می‌تواند علاوه بر دوره‌های کلاسیک و متداول آموزش‌های آزاد را نیز راه‌اندازی کند. همچنین مرکز در تربیت نیروی متخصص برای کشورهای همسایه خصوصاً همسایگان شمالی نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند. باعث خوشوقتی است بیاد بیاوریم که در بیست و هفتمین اجلاس عمومی یونسکو در پاریس قطعنامه‌ای به تصویب رسید که براساس آن مرکز آموزش عالی سازمان از سوی یونسکو برای تربیت نیروهای لازم از جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای میانه مورد حمایت قرار خواهد گرفت. این زمینه با مقاله‌نامه‌هایی که با اکثریت غالب کشورهای مذکور امضاء کرده‌ایم فراهم آمده است.

- آموزشهای آزاد

گسترش وسیع آموزشهای آزاد توسط واحدهای تابعه سازمان در زمره فعالیت‌هایی است که هم ضرورت آن در جامعه وجود دارد و هم امکانات بالقوه و تجربه اجرایی کافی در بدنه سازمان ایجاد شده است.

جامعه ما امروز مواجه با مشکل جمعیت جوان و به تبع آن میلیون‌ها نفر نوجوان و جوان است که نیاز به تغذیه فرهنگی دارند. یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند در جهت

تربیت صحیح جوانها و پر کردن اوقات فراغت آنها مطرح باشد آموزشهایی است که از عهده سازمان میراث فرهنگی کشور برمی آید.

موضوعات مورد نظر می‌توانند متنوع و متعدد باشند. در حال حاضر در موزه رضاعباسی کلاسهای طراحی و نقاشی بطور جدی و موفق دایر است. در سالهای اخیر مجموعه فرهنگی سعدآباد نیز اقدام به برپایی کلاسهایی نموده است که بنوبه خود امیدوار کننده است. میراث استان تهران سالها است که دوره‌های کوتاه مدت آموزش هنرهای سنتی را برقرار دارد و غالب کسانی که آموزش می‌بینند می‌توانند فراگرفته‌های خود را سرمایه کار و معاش کنند.

در پاره‌ای از شهرستانها نیز حرکت‌های امیدبخشی آغاز شده است بعنوان مثال در سمنان کلاس آموزش معرق چوب بتدریج جا افتاده و شناخته شده است. در موزه فرش کلاسهای آموزش قالیبافی در مقیاس محدود ادامه دارد.

بطور خلاصه موضوعات آموزشی می‌توانند متنوع و متعدد باشند از جمله کلیه هنرهای سنتی که در حال حاضر سازمان کارگاههای فعال آنها را دارد و یا دسترسی به استادکاران آنها میسر است می‌توانند موضوع کلاسها باشند.

گسترش آموزش و رواج بیشتر هنرهای سنتی متضمن معرفی میراث فرهنگی و آشنایی و علاقمندی نسل جوان به ارزشهای فرهنگی خودی است. در شرایط حاضر واحدهای متعددی در سراسر کشور توان راه‌اندازی دوره‌های کوتاه آموزشی را دارند. این واحدها با کمک‌های جزئی برای تجهیز کارگاه با کلاس قادر خواهند بود کار خود را آغاز کنند. موضوع و زمینه آموزش را باید حتی‌المقدور به شرایط محل واگذار کرد. وجود استادکار ضروری‌ترین پیش‌نیاز امر است و معمولاً در گوشه‌ای از بناهای تاریخی تحت نظارت سازمان مکانی برای این قبیل دوره‌ها می‌توان تهیه دید. آنچه که به اعتقاد اینجانب مانع گسترش وسیع این قبیل دوره‌ها در واحدهای سازمان بوده است عدم اعتقاد دست‌اندرکاران و مدیران واحدها به اهمیت این موضوع است والا اگر این مقدمه فراهم باشد توان فراهم کردن سایر

مقدمات را خود دارند.

در بخش آموزش‌های آزاد لازمست اشاره‌ای هم به آموزش درس میراث فرهنگی در مراکز آموزش عالی نیروهای مسلح بشود.

کمیته مشورتی ملی که جهت بررسی و اجرای کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تحت عنوان حفاظت از موارث فرهنگی در زمان جنگ مسلحانه تشکیل شده از سال ۶۹ به بعد فعال بوده است. یکی از مصوبات کمیته ارائه درس میراث فرهنگی در نیروهای مسلح است که براساس آن چهار ساعت درس نظری و یک بازدید شش ساعته از یک موزه و یا بنا یا مجموعه تاریخی پیش‌بینی شده است.

طی سالهای ۷۱ و ۷۲ عده‌ای از همکاران سازمان و در زمره ایشان بنده کار آموزش را در مراکز آموزش عالی برای افسران ارشد نیروهای مسلح به اجرا گذاشتیم. محتوای آموزش و تجربیاتی که در این زمینه بدست آمده است نیازمند بررسی و نقد خاص خود می‌باشد. معذالک اشاره‌ای به چند نکته در اینجا لازمست.

در اوایل سال ۷۲ من در یک نشست بین‌المللی متخصصین در لاهه برای بحث و بررسی مفاد کنوانسیون ۱۹۵۴ شرکت داشتم از ۲۵ کشور در این اجلاس نمایندگان شرکت داشتند.

جالبترین نکته‌ای که در پایان آن اجلاس معلوم شد این است که در خصوص آموزش مباحث میراث فرهنگی در نیروهای مسلح احتمالاً ما موفق‌ترین کشور دنیا هستیم. با همین توجیه مقاله‌ای با همکاری مشترک همکارمان آقای صمدی و اینجانب تهیه و با کوشش کلود کرباسی ترجمه و در یک مجله علوم انسانی در آلمان که شماره مخصوصی را در رابطه با کنوانسیون فوق‌الذکر منتشر کرد به چاپ رساندیم.

بطوریکه آمار افسرانی که آموزش دیده‌اند نشان می‌دهد، تا پایان سال ۷۲ رقمی حدود ۶ هزار نفر یا بیشتر تحت آموزش قرار خواهند گرفت. لازمست جلساتی که با مدرسین این دوره‌ها داشتیم ادامه یابد و مواد آموزشی و مواد کمک آموزشی بطور مرتب بازبینی و تکمیل شوند.

در این زمینه وظیفه اخلاقی خود می‌دانم که اعتراف کنم که همه توفیق بدست آمده در زمینه آموزش، میوه تلاش و حسن تدبیر آقای دکتر صراف است که صلاحیت و کفایت مدیریت خود را در همین قالب بخوبی به اثبات رساند.

- همکاری‌های بین‌المللی

حضور هیأت‌های متعدد خارجی خصوصاً اروپایی‌ها پیش از انقلاب اسلامی در ایران هنوز در حافظه سازمان وجود دارد. این هیأت‌ها بعضاً با سابقه طولانی قریب صد سال با روحیه‌ای متجاوزانه و چپاولگرانه بکار خود مشغول بوده‌اند. هنوز هم برای بسیاری از کسانی که در قالب هیأت‌های مطالعاتی و یا اجرایی موضوعات میراث فرهنگی به ایران می‌آیند بر ایشان درک درست موقعیت و تن دادن به شرایط «همکاری متقابل» و به «چپاول و اعمال قوه» مشکل است. البته لازمست یادآوری کنیم که از نقطه نظر خلوص نیت و یا اهداف همگی هیأت‌ها در یک دسته‌بندی واحد قرار نمی‌گیرند. بندرت بوده‌اند کسانی که در طول حضورشان در این سرزمین حداقل تعدادی نیروی متخصص تربیت کرده‌اند.

در شرایط فعلی از نظر روابط بین‌المللی شاید گسترش روابط با کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی را باید در اولویت قرار داد. طی سالهای ۷۱ و ۷۲ قراردادهای همکاری متقابل در زمینه میراث فرهنگی با اکثر کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق با سازمان امضاء شده است تقریباً بلااستثناء کشورهای مذکور در شرایطی هستند که نیازمند تجربیات و امکانات ایران هستند و از طرفی نوع موضوعات، هنرها و ابنیه‌ای که در این کشورها وجود دارد شباهت‌های زیادی به آنچه که ما در ایران با آن سر و کار داریم و عملاً تجربه کافی جهت انتقال وجود دارد.

اساساً در حوزه میراث فرهنگی زمینه‌های بسیار نادری وجود دارد که ارتباط با مؤسسات مشابه در کشورهای بیگانه را بطلبد و تقریباً تمامی فعالیتها بطور خودکفا قابل

اجراء است. در طی سالهای اخیر طی مذاکرات بعمل آمده به هیأت‌های بازدیدکننده در چند کشور اروپایی موضوع سازمان تبیین و بر همان سیاق عمل شده است.

شاید ارتباط با کشورهای غربی در حد شرکت نمایندگانی از سازمان در جلسات و کنفرانسها و نشستهای علمی فرهنگی جهت اطلاع از دانش روز و یا احیاناً مبادله اطلاعات و هماهنگی با مؤسسات پژوهشی از قبیل آزمایشگاه سازمان با سازمانهای مشابه‌اش قابل توصیه باشد. در حال حاضر سازمان حضور کم رنگی در بعضی از شوراها و وابسته به یونسکو از قبیل ایکروم - ایکوم و ایکوموس دارد. تشکیل هسته‌های این شوراها در ایران در مواردی که در قانون مربوطه پیش‌بینی شده است کار لازمی است و اقداماتی نیز در این خصوص در دست انجام بوده خوشبختانه سازمان از نظر منزلت علمی در سطح بین‌المللی نیز در جایگاه خوبی است و تا حدود زیادی شناخته شده است. در میان کشورهای همسایه وضع افغانستان با کشورهای دیگر قدری متفاوت است. افغانستان از نظر زبان و قومیت و ارتباطات گسترده‌ای که در طول دوران جنگ و انقلاب خود با ایران داشته و هنوز هم دارد شرایطش بگونه‌ای است که در حالیکه امکان حضور کادر ایرانی متخصص در آن فراهم است حضور خارجی‌ها خصوصاً غربی‌ها بدون اشکال نیست.

مقدمات یک طرح مرمتی با کمک دکتر عدل و میراث استان خراسان فراهم آمده است و امید است بتوان آنرا گسترش داد.

- اداری و مالی

تشکیلات فعلی سازمان باتوجه به زمان تشکیل آن پس از تصویب قانون تعدیل نیروی انسانی تهیه و اجراء شده است بنابر این پست‌ها را براساس افراد موجود تدوین نموده و وعده استخدام کسری پرسنل را تا هزار نفر یا بیشتر مسئولین سازمان امور اداری و استخدامی کشور داده‌اند. و البته کمترین علاقه‌ای به پایبندی و اجراء قول و قراردادهای

گذشته خود ندارند.

لایحه‌ای تقدیم کرده‌ایم که اگر از دولت بگذرد مسیر لایحه اول را مجلس طی خواهد کرد.

در دو سال اخیر توفیق بکار گماردن قریب ۱۷۵ نفر از فارغ‌التحصیلان مرکز آموزش عالی سازمان که دوره کاردانی را گذرانده‌اند فراهم آمد. اگرچه معضلات اداری و استخدامی ایشان زندگی را بر این جوانها در آغاز کار و بر مسئولین سازمان در پایان کار تلخ کرد ولی برای جمعی از ایشان راه فرجی حاصل شد. حداقل عده زیادی حکم رسمی گرفتند و همگی با دریافت حقوق بطور قراردادی یا غیر آن مشغول بکار هستند. جمع دیگری از این جوانها تا پایان سال ۷۲ از مرکز فارغ‌التحصیل می‌شوند و باید مقدمات کار ایشان را فراهم نمود. جذب این نیروی جوان در واحدها بسیار مؤثر بوده ولی مشکلات نیروی انسانی خیلی وسیع است.

این درست است که سازمان در سالهای گذشته بقول همکاران با بودجه جنگی کار کرده است و این درست است که سازمان همیشه دستگاه فقیری بوده و مثلاً تا دو سال پیش کل اعتبار عمرانی آن که صرف مرمت و حفاظت از چند هزار بنا در سراسر کشور می‌شود رقمی در حدود حق‌الکشف پرسنل یکی از دستگاههای مبارزه با قاچاق و رقمی بوده که با کل آن فقط میتوانسته‌اند یک ساختمان پنج شش طبقه در وسط شهر تهران بخرند. بودجه جاری و عمرانی سازمان بیشتر به شوخی میماند و روال متعارف و سنتی سازمان برنامه و بودجه هم افزودن ده پانزده درصد بر رقم سال گذشته است که در نتیجه وضع از این بهتر نمی‌شود. از سال ۷۲ این آهنگ قدری تعدیل شد بودجه حدوداً یک میلیاردی میراث فرهنگی در سال ۷۲ به دو میلیارد و سال ۷۳ به پنج میلیارد افزایش یافته است و این آهنگ خوبی است. به همان قدرتی که می‌توان ادعا کرد که کمبود منابع مالی از مهمترین مشکلات کمرشکن سازمان در سالهای گذشته بوده است می‌توان ادعا کرد که ساده‌اندیشی است اگر گمان کنیم که پول و اعتبار راه‌حل تمامی عسایل و مشکلات است. صرف صحیح اعتبارات در زمینه میراث مستلزم فراهم آوردن مقدماتی است که سازمان

در حال حاضر توجه به اهمیت میراث فرهنگی هر روز بیشتر از گذشته در بین مردم و مسئولین مناطق و بخشهای مختلف کشور قوت می‌گیرد. این توجه لازمه‌اش فراهم شدن حداقل امکانات تشکیلات برای انجام وظایف قانونی است. سازمان خصوصاً در سال ۷۲ مورد هجوم درخواستها و پیشنهادات ایجاد واحد یا نمایندگی در شهرهایی است که مسئولین و مردم آن دل نگران میراث محل خود هستند. درحالیکه قریب پانصد شهر در کشور وجود دارد که بسیاری از آنها، اگر نه همه، به گونه‌ای نیازمند واحدی از میراث هستند و علاوه بر آنها محوطه‌های تاریخی وسیعی در اطراف و اکناف کشور پراکنده است که حضور تشکیلاتی سازمان را میطلبد معذالک با حدود فقط پنجاه و پنج واحد سازمان دست اندر کار است. این تعداد معدود عملاً قادر به پوشش فیزیکی حوزه نفوذ خود نیست. این تعداد معدود عملاً قادر به پوشش فیزیکی حوزه نفوذ خود نیست. شهری مثل قم با تمامی ارزشها و ابنیه و آثارش هنوز فاقد واحد است. از سویی مشکل نیروی انسانی سازمان در بعضی از زمینه‌ها حاد شده است. مهمترین آنها استخدام استادکاران هنرمند غیر دانشگاهی است که لایحه استخدام ۲۰۰ نفر از ایشان در شور اول تصویب و در انتظار طرح در شور دوم است که بنا به دلایل بعضاً نامعلوم بیش از چهار سال این لایحه در مجلس خاک خورده است و انتظار کشیده و همان آقایان نمایندگان برای رسیدگی به یک بنا یا پروژه میراث حوزه انتخابیه ایشان گاهی چهار روز صبر و تحمل ندارند و اعتراض و بازخواست میکنند. خاک خوردن این لایحه در مجلس نیست الا توسری خوردن میراث از سوی مقامات و لا غیر. برای بسیاری از ایشان هنوز موضوع میراث فرهنگی دست چندم است و این در حالی است که هر هفته و هر ماه چند نفر از ته مانده استادکاران سنتی سازمان یا دعوت حق را لبیک میگویند و یا شرایط مزاجی و جسمی ایشان را خانه‌نشین میکند بی آنکه هنر و تجربیاتشان را به نسل جوانی منتقل و تداوم این هنرها را تضمین کرده باشند. در خصوص استخدام حداقل ۲۰۰ نفر نگهبان نیز

از آن نظر نیز در رنج است و می‌باید همزمان با افزایش منابع مالی در آن زمینه‌ها از جمله نیروی انسانی متخصص و تدارکات و تشکیلات اداری نیز خود را مجهز کند. یکی از اصولی که در سیاستهای مالی آینده سازمان دیده شده است شناسایی و توجه به منابع جدید مالی و درآمدی است. اگرچه اصل درآمدزایی امروزه بصورت اپیدمی و مد در آمده است و بعید نیست روزگاری توصیه شود که جنازه‌های اموات را هم بجای دفن بی‌حاصل و بازره تبدیل به دلار کنند معذالک باید اذعان کرد که هنوز زمینه‌هایی در سازمان وجود دارد که از طرق آنها می‌توان با حفظ اصول و ارزشهای فرهنگی موردنظر در قانون اساسنامه سازمان درآمد سازمان را افزایش داد. این زمینه‌ها شناخته شده‌اند از جمله خدمات مشاوره‌ای - سرمایه‌گذاری و تولید انتشارات و فیلم و غیره و فروش آنها، بهره‌برداری خدماتی از پاره‌ای از امکانات موجود و ...

و کلام آخر

در جلسه دفاعیه لایحه استخدام ۲۰۰ نفر هنرمند در مجلس یکی از نمایندگان محترم اشاره کرد که «میراث فرهنگی در زمره مظلوم‌ترین دستگامهای کشور است». این مظلومیت در نحوه برخورد با آن طی سالهای گذشته بخوبی منعکس است و تلاش بر این بوده که این چهره دگرگون شود.

امروزه سازمان تشکیلاتی است معتبر و شناخته شده با اعتبار علمی و تخصصی خوب و با نیروی انسانی متخصص و علاقمند و کارآمد. و این همه نافی کاستی‌ها و مسایل و مصائب آن نیست. حفظ این هویت در حال حاضر در زمره مهمترین امور سازمان است. مهمترین آفتی که این سالها سازمان را تهدید می‌کند موج درآمدزگی و پولی دیدن همه امور است که بانی آن و الگوی خوب آن شهرداری است. درآمد در آمد است خواه از بابت مجوز قطع درخت باشد یا فروش تراکم و یا هر چیز دیگر. میراث فرهنگی خزانهدار فرهنگ و آثار فرهنگی کشور است اگر گذشتگان با وسواس با این مجموعه برخورد نمی‌کردند امروزه اساساً چیزی برای مطالعه در دست ما نبود. پولزدگی و درآمدزایی موجی است که دیر یا زود به تعادل خواهد رسید و بناچار به مسیر معقول خواهد آمد. نفاست آنچه که در حوزه میراث فرهنگی نگهداری می‌شود و ارزشهای مالی فوق‌العاده‌ای که اموال و ابنیه آن دارند برای بعضی وسوسه‌انگیز است، آنچنانکه بقرار اطلاع جنازه نیش قبر شده یک سیده امامزاده را قاچاقچی‌ها می‌خواست‌اند به میلیونها تومان به یک سفارت خانه بفروشد ولی ما متکفل کدامیم؟ ده میلیون یا حفاظت از تقدس امامزاده؟ و در پایان باید دعا کرد که «اللهم وفقنا لما تحب و ترضی» انشأ ...